

نوهته: ژیلبر لازار

ترجمه: محمد حبیب‌اللهی  
استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی

## چند نکته دستوری در زبان فارسی

نکته‌های دستوری زیر از کتاب «زبان قدیم ترین آثار نثر فارسی» تألیف پروفیسور ژیلبر لازار (۱) استاد زبان فارسی در مدرسه السنه شرقی پاریس ترجمه شده است.

ایشان برای بررسی این نکات دستوری و خصوصیات تحول و تطور زبان فارسی از قرن چهارم تا قرن ششم نسخه‌های زیادی اعم از خطی و چاپی را مورد مطالعه قرار داده و در فصلی جداگانه برای هر یک از این تألیفات و نسخ متعدد آن نقدی فوق‌العاده درخور توجه نوشته‌اند.

امید است که این کتاب روزی بصورت کامل بزبان فارسی ترجمه شود تا کسانی که علاقه‌مند بزبان فارسی و تغییر و تحول آن در طول تاریخ (بعد از اسلام) می‌باشند از این تألیف نصیبی هرچه کامل‌تر ببرند.

• ۳۰۴

### افعال بدون ضمیر

در ماضی مطلق هنگامیکه چند نوع فعل بیک شخص مربوط شوند و در یک جمله باشند ضمیر شخصی در یکی از افعال میتواند حذف شود. ( این نوع

استعمال که در زبان قدیمی رواج دارد در زبان شعر نیز وارد شده است) .  
 در این افعال ضمیر در فعل اولی هست و در دومی حذف شده است . مثال‌های  
 زیر نشان می‌دهد که حذف ممکن است بجای فعل اول در جای دیگر انجام گیرد.  
**(الف) - فعل بدون ضمیر بعد از فعل با ضمیر می‌آید :**

۱- توبه کردم و باز گشت . کشف‌المحجوب هجویری چاپ ژو کوفسکی

ص ۲۲۸

۲- پاک کردیم و ثبت کرد . کشف‌المحجوب هجویری چاپ ژو کوفسکی

ص ۲۴۱

۳- عاجز شدیم و از همه باز گشت . کشف‌المحجوب هجویری چاپ

ژو کوفسکی ص ۳۵۴

۴- ملوک طوائف آهنک ایشان کردند و عراق از عرب بستند . ترجمه

تاریخ طبری چاپ بهار ص ۱۹۳

۵- باربر نهادند و برفت . ترجمه تاریخ طبری چاپ بهار ص ۲۴۳

۶- همه پیش او بنشستند و گرد آمد . ترجمه تاریخ طبری چاپ بهار

ص ۳۴۳

۷- مردمان را گرد کردند و خطبه کرد و گفت . ترجمه تاریخ طبری چاپ

بهار ص ۵۱۱

**(ب) - فعل بدون ضمیر پیش از فعل دارای ضمیر می‌آید :**

۱- از بهر تو از صید باز گردید و رفتیم . ترجمه تفسیر طبری ص ۲۹۱ ج ۲

۲- عرب بشنید و مردی بفرستادند . ترجمه تاریخ طبری - بهار ص ۳۲۹

۳- این دو مرد که بودند که از مکه بدر آمده بود و می‌گذشتند . ترجمه تفسیر

طبری ج ۲ ص ۷۰

۴- مردمان بابک پیام بسیار برآمد و حرب اندر گرفتند. ترجمه تاریخ طبری نسخه a ص ۷۵۲

(پ) - حذف ضمیر افعال تابع :

گفت بیک تیر هزار مرد کور کردند و آن عرب که با من بودند چون او بدید صلح کردند. ترجمه تاریخ طبری نسخه a ص ۴۲۲

(ت) - ضمیر در دوم شخص جمع در موقع امر حذف میشود وقتی که فعل معنی تنبه - استیناف داشته باشد :

۱- بیکدیگر گفتند که این مرد دروغ زن است نگر تا خدایان خویش را از دست بندارید . ترجمه تفسیر طبری ج ۲ ص ۱۲۸

۲- یا فرزندان من نگر همچونین بجمله بدر وازه مصر اندر نروید .

ترجمه تفسیر طبری ج ۳ ص ۲۲۵

۳- نگر که البته هیچ فرمان او نبرید. ترجمه تفسیر طبری ج ۲ ص ۲۵۵

۴- گفتند ما غریبانیم مهیمان لوت آمدیم ، گفتا بیا تا شما را به خوان لوت برم . ترجمه تاریخ طبری - بهار ص ۵۴

### کاربرد «می» و «ب»

در فارسی معاصر «می» پیشوندی است بفعال چسبیده و «می» با «ی» مجهول در تاجیک بهم چنین می/می در متون زیر نظر ما بفعال می چسبید و این جزء در مرحله اول به اول فعل مانند پیشوند فعلی می چسبید و نظیر آن زیاد است، اما میتواند بوسیله کلماتی از فعل جدا شود.

(الف) - با پیشوند فعل استعمال میشود :

- ۱- همی بر آمد. هدایت المتعلمین ص ۵۰۱ نسخه اکسفورد
- ۲- همی براو فتاد. کتاب الابنیه موفق ص ۱۳ - ۷، چاپ سلیگمان
- ۳- همی اندر بیایم. جامع الحکمتین ص ۲۵۸ چاپ کربن - معین
- ۴- می بیرون آید. هدایت المتعلمین ص ۵۰۱
- ۵- همی دشوار گوارد. کتاب الابنیه موفق ص ۱۲۳
- ۶- همی چونین افزایش. المدخل نسخه برلن ص ۳۰۵

## (ب) با فعل مرکب :

- ۱- همی کار کردند. ترجمه تاریخ طبری بهار ص ۲۹۵
- ۲- همی نماز کرد. « « « « « ۲۹۷
- ۳- همی جنگگ کردند. ترجمه تاریخ طبری نسخه ۸ ص ۶۷۵
- ۴- همی نگاه کرد. ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۲۷ نسخه پاپس
- ۵- ما تورا می تسبیح کنیم. ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۲۰ نسخه تهران
- ۶- می ستم کردند. ژنرال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۲۷ نسخه پاریس
- ۷- آنجا که می درد کند. هدایت المتعلمین ص ۴۱۵
- ۸- می طلب کند. قصص الانبیاء ص ۱۶۷ نسخه بیانی

## (پ) گاهی اوقات همی بعد از فعل و بلاواسطه میآید :

- ۱- ونه فریبتد همی مگرتنه‌ای ایشان را. ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۱۶
- ۲- من کنم همی. « « « « « ۳۱
- ۳- آنجا راعین الشمس خواندند همی. کتاب الابنیه موفق ص ۲۱

۴- حرکت کند همی . هدایت‌المتعلمین ص ۴۴۱

۵- موی از وی روید همی . » » » ۱۶۶

۶- بر آید همی . » » » ۲۹۳

(ت) همی با حرف نفی، جلهای مختلف را می‌تواند اشغال کند:

۱- همی نتواند . هدایت‌المتعلمین ص ۵۲۹

۲- همی نبیند . قصص‌الانبياء ص ۳۳

۳- می‌نترسیم . اسکندرنامه ص ۳۰ نسخه نفیسی

۴- نه همی داند . ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۱۷

۵- نه همی شود . کتاب‌الابنیه موفق ص ۵۲

۶- این مرد همی مسلمان نشود . ترجمه تفسیر طبری ج ۳ ص ۲۵

(ث) ۳ ماهی اوقات همی قبل از فعل و دور از آن در جمله واقع شود و دو مرتبه بطور تکراری جلو فعل ظاهر میشود:

۱- آب دو چشم او بیرون همی دوید و از کوه فرود آمد تا جویها گشت .

۲- من این سخن که گفتم همی شما را می‌آزمودم . ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۳۸

۳- بچه سختی از بالا همی خویش را بشیب همی افکند . وجه‌دین ص ۳۸

ج ۲ ص ۲۲

چاپ برلن

## ب

(ب) در متون زیر نظر ما با فعل می‌آید و مخصوصاً پیش از «ن» نفی :

۱- بنگفتم . ترجمه تاریخ طبری - بهار - ص ۸۱

۲- بنیامیزند . التفهیم چاپ همائی ص ۵۱

- ۳- برفته بودندی . تاریخ بیهقی ص ۶۵۰ چاپ نفیسی
- ۴- بنگردد . روضة المنجمین ص ۳۴ نسخه کتابخانه ملك
- و ۳ماه جزء «نه» پیش از «ب» میآید و این برای اهمیت است که باین نوع فعل در جمله میدهند و در حقیقت برای برجسته کردن و نمایاندن فعل است :
- ۱- این بت نه بشنود و نه بگوید . ترجمه تاریخ طبری . بهار - ص ۲۰۷
- ۲- کسی نبود از مخالفان که نه بگریختند . ترجمه تاریخ طبری نسخه a ص ۳۹۳ کتابخانه ملی
- ۳- چون خواسته نباشد مرد نه فرزند بتواند داشت و نه خویشان را نگاه تواند داشت . ترجمه تفسیر طبری ص ۱۲۳

### همی + ب

جزء همی و پیش فعل «ب» غالباً در متون زیر نظر ما بچشم میخورد

- ۱- همی بکشت . ترجمه تاریخ طبری نسخه a ص ۵۸۴
- ۲- همی بترسید . ترجمه تفسیر طبری ص ۱۰
- ۳- همی بشود . کتاب الابنیه موفق ص ۶۱
- ۴- همی بیافریند . ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۳۴
- ۵- همی بداند . جامع الحکمتین ص ۱۰
- ۶- همی بساختند . ترجمه تاریخ طبری ، بهار - ص ۱۶۷
- ۷- می بسوخت . تاریخ بیهقی ص ۱۳۴ نفیسی
- ۸- می بخشید . « » ص ۶۶۱

### ب + همی / می

- ۱- همی آرامیدی . ترجمه تفسیر طبری ج ۲ ص ۲۳۱

- ۲- همی دانست . اسکندرنامه نسخه نفیسی ص ۱۷  
 ۳- همی رود . « « « « ص ۸۹

### همی + ب

- ۱- همی خویشی و ولایت و دوستی ببرد . ترجمه تاریخ طبری نسخه a  
 ص ۶/۴  
 ۲- از این آب چشم که همی دويد که از شادی گریسته بود ریاحین و گل‌های  
 الوان برست . ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۳۹  
 ۳- همی جان من بیاید گفتن . شرح قصیده ابوالهیثم چاپ کربن- معین  
 ص ۱۷

### می + ب + نه

- ۱- آن کس که ها که می بنگر ویدند . ترجمه تفسیر طبری ج ۳ ص ۴۵  
 ۲- می بندادی . « « « « « ص ۴۸

### همی بدون فعل

همی گاهی بدون فعل می‌آید و در آنجا بیشتر معنی قید میدهد تا معنی  
 جزئی که بفعل بچسبد و تغییر معنی دهد:

- ۱- همی تا اندر صورت موسی شد و اندر صورت عیسی و اندر صورت  
 محمد شد و همی تا اندر صورت ابو مسلم شد . زین الاخبار گردیزی چاپ  
 نفیسی ص ۷۵  
 ۲- امروز همی تا مرغ نبود خایه نبود و تا خایه نبود مرغ نبود . شرح  
 قصیده ابوالهیثم ص ۱۷-۹۷  
 ۳- همی تا به محشر مبیناد رنج . از مثنوی ورقه و گلشاه - مجله ادبیات  
 دانشگاه تهران - ص ۵

۴- روی بمشرق نهاد و همی باستخر بگذارد . حدود العالم چاپ بارتولد  
شماره ۷ ص ۱۰

### همی ناگاه

۱- یکشب آن دختر با پادشاه خفته بودهمی ناگاه بوی ناخوش ازدهان  
آن دختر بیامد . اسکندرنامه چاپ نفیسی ص ۷۵  
۲- شاه اندر عقب کژدم میرفت همی ناگاه دیواری به پیش آمد.

سبک شناسی ج ۲ - ص ۱۴۵

( در اینجا باید همی را نوعی قید بشمار آورد که با کلمه ناگاه تشکیل  
ترکیب و اصطلاح را میدهند) و در این جمله «همی در وقت جبرئیل برگشت با  
فرشتگان» کلمه «همی در وقت» عین ترکیب «همی ناگاه» است. تفسیر عتیق-  
سورآبادی نسخه تهران ص ۱۴۰ ج ۱

نوعی دیگر : آن کار دراز شد برینی اسرائیل و اندر آن ماندند و بیکدیگر  
عداوت کردند از بهر آن کشته و همچونان حرب همی کردند و بریکدیگر دعوی  
همی کردند پس يك روز همی گرد آمدند و گفتند یا موسی اینکار بر ما دراز شد  
باید که حاجت خواهی از خدای تا ما را آگاه کند تا این کشته همی که کشت.  
ترجمه تفسیر طبری ص ۶۱ ص ۱۹۰

جمله «همی که کشت» نمی تواند بفعل مربوط شود و بنابراین نوعی قید  
است و به «که» استفهامی مربوط میشود .

### همی + امر

همی با فعل امر بکار میرود و معنی آن این است که این کار را باید ادامه داد  
نه اینکه کاری است برای همیشه که یکبار بانجام رسیده باشد .

مثال :

۱- کارهای من همی کن . ترجمه تاریخ طبری، بهار ص ۳۰



۲- بر اثر یزدگرد همی رو . ترجمه تاریخ طبری نسخه کتابخانه

ملی - a - ص ۴۷۹

۳- خبرمکیان همی دان تا چه کنند . ترجمه تاریخ طبری - بهار - ص ۲۸۴

۴- به توالی بروج همی رو . التفهیم بیرونی چاپ همائی ص ۴۱۶

### همی + مضارع

بطور کلی همی با مضارع مطلبی را میرساند که ادامه دارد و در آینده نیز ادامه خواهد داشت:

۱- همچونان همی رود تا باز بمشرق رسد. حدود العالم ج ۲ ص ۱۶-۱۵

۲- هر دو دریا یکی است که گرد زمین برمیگردد. حدود العالم ج ۲ ص ۵

۳- این تب از اول صعب بود باز کمتر کمتر همی گردد. هداية المتعلمین

ص ۵۵۸

۴- باندك ما به روزگار همگی این خانه همی دیگر شود. زادالمسافرین

ص ۴۵۲

گاه مضارع بدون همی میآید و همان معنی از او بدست میآید:

۱- عادت دارد چیزها گفتن که خلاف خرد باشد و به تکلف گوید. تاریخ

سیستان چاپ بهار ص ۲۷۲

۲- تو از بامداد تا چاشتگاه شربت و گوارش خوری. مطالعات ابوانوف

درطبقات انصاری ژورنال آسیائی ۱۹۲۳ ص ۳۴۵

### همی + ماضی مطلق

همی با ماضی مطلق فعلی و عملی را میرساند که ممتداست ولی بزمانی معین ختم میشود:

۱- آنروز تاشب جنگ همی کردند. ترجمه تاریخ طبری نسخه a - ص

- ۲- چهار ماه بشام اندرهمی گشت شعبان و رمضان و شوال و ذی القعدة و در ذوالحجه از شام بیرون آمد . ترجمه تاریخ طبری ، نسخه a ص ۴۵۳
- ۳- میدیدم تا شکم او پاره کرد و ندانستم تانیز چه کرد . تاریخ سیستان چاپ بهار ص ۶۷
- ۴- بیک حمله همی دوید تا بدامن کوه احد رسید . تفسیر عتیق سورا آبادی نسخه تهران ص ۱۲۷
- ۵- چهل شبانه روز در شکم ماهی بماند و باواز بلند همی گفت «لااله الا انت» . شرح تفسیر کمبریج در روزنامه آسیائی ۱۸۹۴ بتوسط ادوارد براون ص ۵۱۸
- ۶- از آن کدو میخورد تا نیرو گرفت . همان مأخذ ص ۵۱۸
- گاهی فعل «اضی» بدون همی میآید ولی معنی طول مدت و امتداد را میدهد:
- ۱- آن شب تا روز حرب کردند . ترجمه تاریخ طبری نسخه a ص ۴۳۱
- ۲- چندسال در نعمت زیستیم . شرح تفسیر کمبریج بوسیله ادوارد براون در روزنامه آسیائی ۱۸۵۴ ص ۵۱۵
- ۳- پیغمبر لختی برفت و بایستاد - ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۱۲

## بود و داشت

- بخلاف زبان فارسی معاصر افعال بود و داشت با جزء می و همی همراه اند:
- ۱- آنجا شدند و تا نیم شب همی بودند . ترجمه تاریخ طبری نسخه a (کتابخانه ملی) ص ۴۳۹
- ۲- او بمدینه همی بود تا بمرد . ترجمه تاریخ طبری نسخه a (کتابخانه ملی) ص ۴۶۱

- ۳- بر این گونه بیست‌روز همی بودند : ترجمه تاریخ طبری نسخه ۲  
(کتابخانه ملی) ص ۵۰۳
- ۴- ایشان را همی داشت تاروزی چند برآمد. ترجمه تفسیر طبری ج ۲  
ص ۵۶
- ۵- آن استخوانهای هردوبرداشت و باخود در کشتی نهاد ومی‌داشت  
تا آن آب عذاب ازجهان برفت . ترجمه تفسیر طبری ج ۲ ص ۱۰۴

### عناصر بود و داشت بدون همی

- ۱- خود بگرگان بیود . تاریخ سیستان چاپ بهار ص ۲۵۵
- ۲- این جهودان از آنجا بگریختند و بزمین عرب آمدند آنجا که مدینه  
است وهم آنجا بیودند و گرداگرد مدینه حصارها کردند . ترجمه تفسیر  
طبری ج ۱ ص ۱۶۵
- ۳- آنجا بنزدیک یوسف بیود . ترجمه تفسیر طبری ج ۳ ص ۲۰۷
- گاه همی عملی را میرساند که در مدت معینی در گذشته در جریان است  
و مخصوصاً با پیش آمدن عمل دیگری خاتمه پیدا میکند :
- ۱- چون براه اندر همی شد جغد را دید . تاریخ طبری چاپ بهار  
ص ۲۶
- ۲- بدان میان که ما آنجا همی گردیدیم و طواف همی کردیم پیری ازدور  
پدید آمد . ترجمه رساله حی بن یقظان چاپ هانری کربن ص ۱۳-۳
- ۳- سیامک ازجائی همی آمد ، براه پریان ودیوان پیش او آمدند .  
ترجمه تاریخ طبری بهار ص ۲۶

### همی + صورتهای ترکیبی

جزء «همی» ندرتاً با ماضی نقلی که تعیین یک گذشته ممتد و غیر معین را  
میکند میآید :

- ۱- بطلمیوس قطر شمس هم بدان اندازه همی معلوم کرده است از کسوفها.  
التفهیم بیرونی چاپ همائی ص ۱۵۰
- ۲- از کشیدن غذا و درازی روزگار این اعلام خرد بزرگ همی شده  
است . زادالمسافرین ص ۱۲۴
- ۳- جزو نخست بنهاده است دو دیگر وه دیگر جزو ترتیب همی نهاده  
است بریکدیگر تا این عالم کرده است . زادالمسافرین ص ۱۲۵

### همی + فوره های اسمی

با مصدر «همی» مورد استعمال قرار نمیگیرد مگر وقتی که آن متمم فعلی است مثل بایستن - توانستن - خواستن - جستجو کردن. در بیشتر حالات مشکل است که نظر قطعی داد که همی به مصدر مربوط میشود یا بفعل صرف شده.

در موارد زیر همی به مصدر بر میگردد:

- ۱- به عبارت نتوانستند همی آورد و ندانستند که بچه لفظ همی عبارت  
کنند . شرح قصیده ابوالهیثم چاپ کربن ص ۱۶-۴۲
- ۲- بدین نبی همی ایمان باید آوردن . شرح تعرف - ص ۱۳۹
- ۳- همی خون عثمان طلب باید کردن . ترجمه تاریخ طبری نسخه ۸  
ص ۵۰۶

اما در موارد زیر بفعل صرف شده بر میگردد:

- ۱- رودی پیش آمد که نتوانستند گذشتن و همی گذشتن جستند که ایشان را  
خبر آمد که ... ترجمه تاریخ طبری نسخه ۸ ص ۶۲۵
- ۲- خبر امیر المؤمنین را نگویم و هم امشب می باید گفتن .  
ترجمه تاریخ طبری نسخه ۸ ص ۶۲۵
- ۳- اگر بضرورت و ناچار می باید رفت باری از سوی حبشه روید .  
اسکندرنامه نفیسی ص ۱۱۷